

# Tabari Style: A Reflection on Northern Iranian Quran Transcription in the Middle Ages

**Mahdi Sahragard** ✉ Assistant Professor, Iran, Mashhad, Islamic  
Azad University OF Mashhad, Architecture  
group.  
m.sahragard@mshdiau.ac.ir

## Abstract

The Eastern Kufi is a development of early Kufi that spread from the 10th to 13th century A.D. in the Eastern part of the Islamic world. Eastern Kufi should be considered as a general term for various styles and sometimes completely different from the transcription of the Quran, which although in terms of geometry and shape of the letters originated from the original Kufi, due to the passage of time and influenced by local tastes. The study of codicologists and calligraphers have always been focused on some important artworks in

this style. A careful study of the works shows that some Eastern Kufic styles can be attributed to specific geographical areas; such as North of Iran: Tabaristan and Gilan. The oldest dated manuscript in Tabari style is a Quran by Ali Mokhlesi Tabari, dated 964 A.D. and the last artwork is a Quran by Masoud Ibn Isa Maghari Deylami dated 1249 A.D. Attributing this style to the North of Iran is because of transcribers' names from Roudbar, Mojaver, Deylam and Tabaristan. This style was a small-size script with unique features in letters transcription like ف, ق, and ج. Other features are the relatively short height vertical letters and its strong horizontal connections, with little variation in pen thickness. Also verses sections in Tabari Qurans are usually mentioned with four dots and the illuminations and decorations are slight and brief.

**Key words:** Quran, Eastern Kufi, calligraphy, Iranian Kufi, North of Iran

## Resources

- Ibn Nadim (1987). *Al-Fehrest*, Translated by Mohamdreza Tajadod, Tehran: Amir Kabir. [in Persian]
- Jafarian, Rasoul (2009). *Atlas-e Shie*, Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces. [in Persian]
- Alhasani, Hosein Jahad (2014). *List of handwritten Scrolls in the Treasury of Al-Alawi al-Muqaddas*, Najaf: The Center for the Revival of Islamic Heritage. [in Persian]
- Sahragard, Mahdi (2021). *Satr-e Mastour: History of the Style of Eastern Kufic Script*, Tehran: Farhangestan-e Honar, Mashhad: International Foundation of Imam Reza. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ and Ali Asqar Shirazi (2015). 'History of Stylistics in the Art History of West', *Kimia-ye Honar*, No. 12, Autumn 2015, pages 88-98. [in Persian]

- Fazaeli, Habibolah (1984). *Atlas-e-Khat*, Isfahan Mashal. [in Persian]
- Golchin Maani, Ahmad (1969). *Guide to the Quran Treasure of Aṣṭān Quds Razavi*, Mashhad: Aṣṭān Quds Razavi. [in Persian]
- Najafi, Seyed Mohamad Bagher (2001). *Iran Quran*, Koln: No Name. [in Persian]
- Homayoun Farokh, Roknodin (1970). *Evolution of Dari Persian script, Historic Study*, No. 5 and 6, December and January 1970, pages 302-334. [in Persian]
- Arberry, Arthur John (1967). *The Koran Illuminated: A Handlist of the Korans in the Chester Beatty Library*, Dublin: Chester Beatty Library.
- Blair, Sheila S (2005). *Islamic Calligraphy*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Déroche, francois (2016). "In the Beginning: Early Qur'ans from Damascus", in: Massumeh Farahad and Simon Rettig, *The Art of the Qur'an: Treasures from the Museum of Islamic and Turkish arts*, Washington, Smithsonian Institute, pp.50-75.
- \_\_\_\_\_ (1992). *The Abbasid Tradition: Qur'ans of the 8th to the 10th Centuries AD*, first edn, London: Nour Foundation.
- Lings, Martin (2005). *Splendours of Quran Calligraphy and Illumination*, London: Thames & Hudson.
- Lings, Martin and Yasin Hamid Safadi (1967). *the Qur'ān: Catalogue of an Exhibition of Qur'ān Manuscripts at the British Library*, 1976, World of Islam Publishing Co. Ltd for the British Library.



سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۴۰۰

صص ۴۵-۶۰

## سبک طبری: تأملی بر قرآن‌نگاری شمال ایران در سده‌های میانه

مهدی صحراگرد ✉ استادیار، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد،  
ایران.

m.sahragard@mshdiau.ac.ir

### چکیده

کوفی شرقی صورت تکامل یافته و دگرگون شده کوفی اولیه است که از سده چهارم تا هفتم هجری در شرق جهان اسلام رواج یافت. کوفی شرقی را باید اصطلاحی عام برای سبک‌های متنوع و گاه سراسر متفاوت با کتابت قرآن به شمار آورد که اگرچه از نظر هندسه و شکل حروف منشعب از کوفی اولیه بود، در اثر گذر زمان و متأثر از سلاقی محلی به سبک‌هایی متفاوت درآمد. بررسی نسخه‌شناسان و محققان خوش‌نویسی عمدتاً متمرکز بر چند اثر مهم در سبک‌های این قلم بوده است. بررسی دقیق آثار نشان می‌دهد برخی از سبک‌های کوفی شرقی را می‌توان به مناطق جغرافیایی مشخصی منسوب کرد؛

مثل شمال ایران، یعنی طبرستان و گیلان. کهن‌ترین نسخهٔ تاریخ‌دار سبک طبری، قرآنی است به خط علی مخلصی طبری، مورخ ۳۵۳، و آخرین اثر، قرآنی است به خط مسعودبن عیسی مقری دیلمی، مورخ ۶۴۷ ق. انتساب این سبک به شمال ایران به واسطهٔ نام کاتبانی است از رودبار، مجاور، دیلم و طبرستان. این سبک، خطی ریزاندازه با ویژگی‌هایی منحصر به فرد در کتابت حروفی چون «ف»، «ق» و «و» بود. دیگر ویژگی‌هایش ارتفاع نسبتاً کوتاه حروف عمودی و اتصالات افقی و مستحکم آن، با تنوع ناچیز در ضخامت قلم است. همچنین نشان فصل آیات، در قرآن‌های طبری، عمدتاً با چهار نقطه مشخص شده است و تذهیب و آرایش نسخه‌هایش ناچیز و مختصر است.

واژگان کلیدی: قرآن، کوفی شرقی، خوش‌نویسی، کوفی ایرانی، شمال ایران.

کتابت قرآن به منزله یکی از مهم‌ترین عرصه‌های شکوفایی خوش‌نویسی اسلامی، طی زمان و در مناطق جهان اسلام تحول و تنوع قابل ملاحظه‌ای یافت. محققان معاصر نخستین اقلام کتابت قرآن را، که صورتی ابتدایی و گاه ناموزون دارد، به نام اقلام حجازی می‌شناسند (Deroche, 1992). اقلامی که در مسیری از تکامل به ظهور شیوه‌ای از کتابت منتهی شد که به کوفی اولیه مشهور است. هرچند بدون شک دامنه گسترش این قلم صرفاً محدود به کوفه و حتی سرزمین میانرودان نبود، بلکه گستره آن بر پایه شواهد به‌جامانده در سراسر جهان اسلام بوده است.

کوفی اولیه در اواخر سده سوم هجری در مناطق مختلف جهان اسلام دگرگون شد و تنوعی فراوان یافت. محققان صورت متنوع کتابت قرآن در جهان اسلام را به دو گروه عمده کوفی شرقی و غربی تقسیم کرده‌اند. کوفی شرقی، در شرق جهان اسلام، تقریباً منطبق با ایران فرهنگی رواج داشت. این خط در ویژگی‌هایی همچون تنوع ضخامت، ارتفاع زیاد عرض سطر، نزدیک شدن حروف مجاور، و قطع عمودی نسخه‌ها از کوفی اولیه متمایز است. به سبب این تنوع و نبود اطلاع از این قلم در منابع درجه اول، محققان کوفی شرقی را با نام‌هایی مختلف اعم از کوفی دوره تکامل،<sup>۱</sup> پیرآموز،<sup>۲</sup> شکسته مستدیر،<sup>۳</sup> کوفی شیوه ایرانی،<sup>۴</sup> نیم-کوفی،<sup>۵</sup> و اخیراً سبک عباسی نوین<sup>۶</sup> خوانده‌اند. با این حال در این نوشتار پیرو محققان مسلمانی چون ناجی زین‌الدین (۱۹۸۱) و حبیب‌الله فضایی (۱۳۶۳) و نسخه‌شناسانی همچون آرتور جی. آربری (۱۹۶۷) و مارتین لینگز (۱۹۷۶) کوفی شرقی یا مشرقی خوانده می‌شود.

با وجود تنوع و شمار قابل توجه آثار به‌جامانده از کوفی شرقی تا کنون محققان به جز بررسی منفرد شماری از آثار به‌جامانده، انواع این قلم را به طبقه‌بندی‌هایی خردتر تقسیم نکرده‌اند. به علاوه هیچ اظهار نظری درباره مکان گسترش سبک‌های فرعی آن در مناطق ایران عرضه نشده است. به همین سبب آنچه از این قلم در فهرست‌های نسخ خطی و منابع بیان می‌شود، صرفاً در حد انتساب به شرق جهان اسلام در فاصله سده چهارم تا هفتم باقی مانده است. این درحالی است که اطلاعات پراکنده و نکاتی ظریف در لابلای قرآن‌های کوفی شرقی است

که می‌تواند جزئیات بیشتری را از سبک‌های فرعی و زیرشاخه‌های این قلم برملا کند. گروهی از قرآن‌های ایرانی کوفی شرقی با ویژگی‌هایی مشابه در دست است که به نظر می‌رسد بررسی خط آنها ما را به شناخت سبکی مشخص در منطقه‌ای از ایران رهنمون کند. نسخه‌های به جامانده از این سبک، که در اکثر موزه‌ها و کتابخانه‌ها پراکنده است، عمدتاً قرآن‌هایی جامع با خطی ریزاندازه است که برخی رقم و وقف‌نامه دارد. این نوشتار گزارشی است از بررسی و استخراج ویژگی‌های سبک‌شناسانه این آثار که بخشی از یک تحقیق گسترده‌تر نگارنده است که پیش از این نتایج و کلیات آن بیان شده است (ر.ک. صحراگرد، ۱۳۹۹). در این نوشتار، پس از معرفی روش کار و مبانی سبک‌شناسی به‌کاررفته، به بیان ویژگی‌های تاریخی این سبک، محل احتمالی گسترش آن در ایران، و معرفی سجایای آن می‌پردازیم.

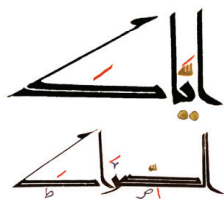
### مؤلفه‌های سبک‌شناسی و کلیاتی درباره روش کار

در تعریفی ساده سبک عبارت است از ویژگی‌های مشترک و متمایز اثر یا گروهی از آثار هنری. در تاریخ هنر، سبک‌شناسی روشی برای طبقه‌بندی آثار است. از طریق سبک می‌توان روایتی از تاریخ را بر مبنای ویژگی‌های صوری آثار عرضه کرد (صحراگرد و شیرازی، ۱۳۹۳: ۸۸). مورخ در سبک‌شناسی به جای تمرکز بر هنرمند، یا سیاق تاریخی، صرفاً بر آثار تکیه می‌کند و با مطالعه دقیق و کشف روابط میان آنها می‌کوشد تاریخ را روایت کند. آگاهی‌های دیگر، اعم از نام و شرح فعالیت هنرمند، زمینه‌های تاریخی و حامیان، به منزله شواهد تکمیلی به محقق کمک می‌کند تا چگونگی پیدایش، تحول، و به‌طور کلی داستان سبک را روایت کند. در سبک‌شناسی لازم است در آغاز تعدادی از آثار را گردآورد و سپس با مطالعه اولیه آنها مؤلفه‌های موردنیاز را استخراج کرد. در این تحقیق، که این نوشتار گزارش بخش کوچکی از آن است، پس از بررسی آثار، پنج مؤلفه به شرح زیر استخراج شد که معیارهای بنیادین در طبقه‌بندی آثار کوفی شرقی به شمار می‌رود:

- شیوه اتصال حروف: در قلم کوفی شرقی، بسته به اینکه حروف به چه روشی به یک‌دیگر



تصویر ۱ - دو گونه اتصال در کوفی شرقی: اتصال افقی مستحکم (بالا) و اتصال «۷» مانند (پایین).



تصویر ۲ - حروف کشیده ساده (بالا) و مضاعف (پایین).



تصویر ۳ - ارتفاع سطر در کوفی شرقی از طریق تقسیم فاصله کرسی صدر (الف) بر کرسی دوم تا کرسی اصلی (ب) به دست می‌آید

متصل می‌شوند، دو شکل اصلی کاربرد دارد: اتصالات افقی بر پایه خطی به ضخامت دو تا شش دانگ قلم که بر روی خط کرسی قرار می‌گیرد و حروف را به یک‌دیگر متصل می‌کند. دیگر اتصالات مورب که با استفاده از شکلی «۷» مانند که میان حروف متوالی قرار می‌گیرد. البته در اکثر سبک‌های کوفی شرقی ترکیبی از هر دو اتصال دیده می‌شود؛ اما سبک‌ها به میزان تکیه بیشتر بر هریک از این روش‌ها متمایز می‌شوند (تصویر ۱).

- شکل حروف کشیده: در قلم کوفی شرقی نیز، مانند هر قلم دیگری، ممکن است برخی حروف به اقتضای ترکیب سطر، کشیده نوشته شود؛ اما در کوفی شرقی دو نوع حروف کشیده وجود دارد: کشیده‌های مضاعف، که عبارت است از حروفی چون «ک»، «ص» و «ط»، که دو خط افقی ضخیم بر روی یک‌دیگر قرار می‌گیرد و قدرت بصری بیشتری دارد. دیگر کشیده‌های ساده که با یک خط افقی ضخیم ساخته می‌شود (تصویر ۲).

- ارتفاع سطر: در سبک‌های کوفی شرقی ارتفاع حروف عمودی بسیار متنوع و متغیر است. ارتفاع سطر که برابر با ارتفاع حرف «الف» است، گاه بیش از چهار برابر حروف دیگر است و گاه به زحمت به دو برابر حروف خرد می‌رسد (تصویر ۳).

- حالت کلی خط: مؤلفه دیگر در سبک‌شناسی حالت کلی خط است که ترکیبی از میزان دور، سطح و شکل حروف را در خود دارد و در نظر نخست تصویری از صفحه به دست می‌دهد.

- شکل حروف: شکل حروف مهم‌ترین مؤلفه در سبک‌شناسی خط است که بر مبنای هندسه حروف تعیین می‌شود و اصول کتابت حروف را در نظر دارد.

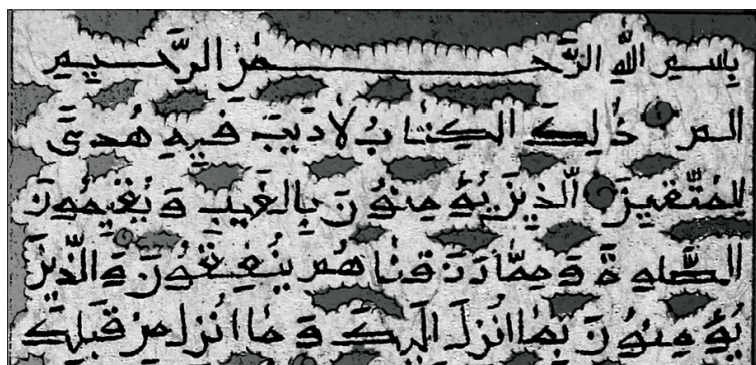
با ارزیابی این مؤلفه‌ها بر حدود ۱۶۰ نسخه قرآن کوفی شرقی در نهایت دوازده سبک اصلی مشخص شد که البته برخی از آنها به زیرگروه‌های فرعی تقسیم می‌شود. در مجموع ۲۹ سبک اصلی و فرعی به دست آمد که یکی از مهم‌ترین آنها سبکی است که بر مبنای اطلاعات فرعی دیگر، مانند نسبت

کاتبان و واقفان و... به شمال ایران منسوب شده و به نام سبک طبری خوانده می‌شود. این سبک نخستین زیرگروه از یک گروه بزرگ‌تر است که با حرف «د» مشخص شده است (ر.ک. صحراگرد، ۱۳۹۹).

### استخراج صفات سبک «د-۱»: سبک طبری

ارزیابی مؤلفه‌های یادشده در آثار کوفی شرقی به شناخت گروهی از آثار منتهی شد که در ویژگی‌های مشخصی مشترک‌اند. این ویژگی‌ها، که سجایای این سبک تلقی می‌شود، تغییرات اندکی در تمام آثار این گروه داده است. این ویژگی‌ها را به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

- شیوه اتصال حروف بر پایه اتصالات افقی تمام قلم است و حتی در مواردی که اتصالات در حروف خاص شکلی مورب باید داشته باشد، اسکلت اصلی اتصال با خطی افقی برقرار شده است. برای نمونه در تصویر ۴، تمامی کلمات با خطوط افقی به ضخامت شش دانگ قلم متصل شده‌اند. حتی حروفی که ماهیتاً باید اتصالی مورب داشته باشند، مانند اتصال «ح» به حروف دیگر و نیز اتصال «و» مانند، با تمام قلم کتابت شده است. به نظر می‌رسد این ویژگی متأثر از اندازه کوچک قلم باشد. زیرا در اندازه ظریف قلم خطاط نمی‌تواند تمامی ظرافت‌ها را به درستی اجرا کند.

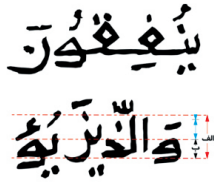


تصویر ۴ - بخشی از صفحه افتتاح قرآنی به خط علی مخلص طبری، سبک طبری، تمام اتصالات با استفاده از خطوط افقی مستحکم اجرا شده است. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۴۱۲۸.

- این سبک فاقد حروف کشیده است و تنها موضعی که در آن حروف در قالب کشیده کتابت شده است، در عبارت «بسم الله» در آغاز سوره هاست. در این سطر به منظور پرکردن سرتاسر سطر با این عبارت کاتبان عموماً «م» «الرحمن» را به صورت کشیده کتابت کرده اند (تصویر ۴).

- به سبب تعداد زیاد سطور، ۱۹ تا ۲۱ سطر در هر صفحه، کاتبان عرض سطر را کوتاه در نظر گرفته اند از این رو نسبت ارتفاع حروف عمودی بسیار کوتاه تر از دیگر سبک هاست. معیار اندازه گیری ارتفاع سطر در این تحقیق تقسیم فاصله کرسی بالا از کرسی اصلی بر فاصله کرسی دوم تا کرسی اصلی است. در این صورت مطابق با تصویر ۵ این نسبت حداکثر دوبرابر است. - شکل حروف مهم ترین عنصر مشخصه این سبک است. بدین معنی که در این سبک شکل چند حرف، نه فقط در جزئیات، که این سبک در هندسه پایه برخی حروف نیز کاملاً متفاوت با دیگر سبک های کوفی شرقی کتابت می شده است. این حروف عبارت است از «و»، «ف»، «م» که در اینجا به صورت یک مثلث متساوی الاضلاع کتابت شده است؛ در حالی که محور سر این حروف در دیگر سبک های کوفی شرقی نسبت به خط کرسی مورب است و ساختاری نامتقارن دارد (تصویر ۵).

- شکل مثلث سر «و»، «ف» و «م» به همراه حرکات کاملاً مستقیم در حروفی چون «د»، «ل» و «ک» حالتی کاملاً مسطح به خط داده است؛ در حالی که شکل مدور و گاه رها شده کاسه «ن» و «س» صورتی مدور به خط داده است. در نتیجه از نظر حالت کلی خط این سبک حالتی دوگانه از دور و سطح دارد. همچنین برخلاف دیگر سبک های کوفی شرقی، در برخی آثار این سبک حالت مورب در شکل حروف دیده نمی شود و زوایای حروف خرد مانند دندان «س»، «ب» و حروف مشابه در بیشتر آثار این سبک عمودی کتابت شده است (تصویر ۶).



تصویر ۵ - نسبت کم ارتفاع سطر در سبک طبری، کلماتی از قرآن علی مخلص طبری، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۴۱۲۸.



تصویر ۶ - زاویه عمودی «ب»، و «س» در «بسم الله»، به خط ابوجعفر محمد بن شهر دوبرین ابی منصور وراق، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۷۹.

افزون بر ویژگی‌های یادشده که بر پایه مؤلفه‌های سبک‌شناسی ثابت استخراج گردید، این قرآن‌ها ویژگی‌های دیگری نیز دارند که شایان توجه است. ازجمله اینکه تمامی قرآن‌های این سبک در یک جلد کتابت شده‌اند و درواقع قرآن جامع به شمار می‌روند؛ درحالی‌که در این دوران بسیاری از قرآن‌های نفیس در قالب چندپاره، شامل چهارپاره، ده‌پاره، چهارده‌پاره، و سی‌پاره تهیه می‌شد. این ویژگی تأثیر زیادی بر خط نهاده است؛ ازجمله موجب شده است که در هر صفحه این قرآن‌ها ۱۷ (مشهد: کتابخانه آستان قدس، ش ۷۸) تا ۳۱ سطر (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۵۱) داشته باشد. البته اکثر این آثار ۱۷ سطری است و نمونه‌های ۱۹، ۲۰ و ۳۱ سطری بسیار محدود است. نکته دیگر درباره شیوه تذهیب این نسخه‌هاست. آن‌طورکه پیداست آثار این سبک جزء نسخه‌های طبقه متوسط بوده است، زیرا علاوه بر اینکه در



تصویر ۷ - صفحه افتتاح قرآن  
ابوالحسن محمدکیا مجاوری،  
تذهیب ساده با رنگ اخراپی و  
لاجوردی، مشهد، آستان قدس  
رضوی، ش ۸۴.

یک جلد تهیه شده است و خط برخی آنها چندان دقیق نیست، تذهیبشان نیز مختصر و صرفه‌جویانه است. مثلاً در تذهیب این نسخه‌ها به ندرت طلا به‌کار رفته است و به‌جایش از رنگ اخراپی استفاده شده است. همچنین سرسوره‌ها عموماً ساده است و صرفاً با یک جدول‌کشی و نقوش درشت اسلیمی همراه است (تصویر ۷).

از دیگر ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن‌های این سبک، شیوه خاص تفکیک آیات است؛ در حالی که تقریباً تمامی قرآن‌های کوفی شرقی از علائم تذهیب برای تفکیک آیات استفاده شده است، در این سبک از چهار نقطه سیاه برای تفکیک آیات استفاده شده است. این روش را کاتبان قرآن‌های سبک حجازی در سده نخست هجری به‌کار می‌بردند و صورت تکامل یافته‌اش در قالب نقطه‌های مدور زرین در قرآن‌های کوفی اولیه دیده می‌شود (تصویر ۸).



تصویر ۸. نشان ختم آیات به صورت چهار نقطه سیاه، مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۷۹.

## تاریخ رواج و تکامل سبک و حدسیاتی درباره محل گسترش آن

باتوجه به بدایت تحقیق در طبقه‌بندی و سبک‌شناسی کوفی شرقی، یافته‌های مربوط به ویژگی‌های صوری آثار کمکی به شناخت محل گسترش این سبک نمی‌کند؛ باین حال اطلاعاتی در رقم نسخه‌ها است که تا حدی گویای ویژگی‌های تاریخی این سبک است. مهم‌ترین نسخه‌های این سبک در جدول ۱ آمده است. چنان‌که در این جدول مشخص است، کهن‌ترین اثر تاریخ‌دار، قرآنی است به خط علی مخلصی طبری مورخ ۳۵۳ ق. (تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۴۱۳۸). هرچند خط این نسخه تا حدی ابتدایی و ناموزون می‌نماید، در ویژگی‌های یادشده با دیگر آثار مشترک است؛ بنابراین می‌توان به‌منزله کهن‌ترین اثر شناخته شود. بدین ترتیب آغاز این سبک به نیمه سده چهارم هجری می‌رسد. از طرفی نسبت کاتب، طبری، او را به سرزمین طبرستان در شمال ایران منسوب می‌کند.

دیگر نسخه قرآنی است به خط علی بن حسین صفار مورخ به ۳۸۳ ق. (استانبول، کتابخانه کاخ توپقاپی، ش ۲۲ HS) که خطی منقح‌تر از نمونه قبل دارد و نشان‌دهنده تکامل این سبک در ربع آخر سده چهارم هجری است. دیگر نسخه‌ها مورخ سده پنجم تا هفتم هجری است. اثر متأخر این سبک، قرآنی است جامع به خط مسعود بن عیسی بن شعیب مقری دیلمی رودباری مورخ ۶۴۷ یا ۶۴۹ ق.<sup>۶</sup> (مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۷۸). این کاتب نیز نسبت دیلمی و رودباری دارد که هر دو به شمال ایران مربوط است. به علاوه درمی‌یابیم این سبک از میانه سده چهارم تا میانه سده هفتم رواج داشته است و تاریخی دست‌کم ۳۰۰ ساله برای آن می‌توان تصور کرد.



تصویر ۹ - برگه از قرآن  
مسعود بن عیسی مقری دیلمی،  
مشهد، مورخ ۶۴۷ یا ۶۴۹ ق،  
مشهد، کتابخانه آستان قدس  
رضوی، ش ۷۸.

درباره محل رواج این سبک فعلاً اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما نگاهی به نسبت کاتبان و برخی از واقفان نسخ، که در جدول ۱ آمده است،

راهگشاست. چنان‌که مشخص است کاتبان نُسخ متقدم و متاخر این سبک با نسبت طبری و رودباری هر دو به شمال ایران منسوب‌اند. همچنین چند کاتب دیگر نیز منسوب به این مناطق درمیان کاتبان این سبک است، مانند ابوبکر عبد‌الملک بن زرعه بن محمد رودباری، کاتب قرآنی مورخ ۳۹۴ ق. (استانبول، کتابخانه کاخ توپقاپی، ش ۷۵۲-۷۵۳). این کاتب نیز منسوب به شهر رودبار در گیلان، شمال ایران، است. دیگر ابوالحسن علی بن محمد بن محمدکیا مجاوری کاتب قرآنی مورخ ۶۲۰ ق. (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۸۴). مجاور نام منطقه‌ای است در منطقه کلاله در استرآباد شمال ایران. همچنین نسب کیا به آل کیا، سادات زیدی شمال ایران، برمی‌گردد. آل کیا در سده هشتم تا دهم بر گیلان تسلط یافتند و با مرعشیان، تیموریان، و صفویان ارتباط داشتند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۷۸). گفتنی است نام واقف این نسخه نیز امیرمحمدرضا ولد میرسیدعلی استرآبادی است که نسبت او نیز به استرآباد برمی‌گردد.

هرچند نیک می‌دانیم نسبت یک کاتب به منطقه‌ای خاص به تنهایی نمی‌تواند دلیلی قطعی بر فعالیتش در همان منطقه باشد. وقتی تعدادی کاتب



تصویر ۱۰ - رقم ابوالحسن  
علی بن محمد بن محمدکیا  
مجاوری، مورخ ۶۲۰، مشهد،  
کتابخانه آستان قدس رضوی،  
ش ۸۴.

در یک منطقه خاص سبکی واحد دارند، می‌تواند درستی این فرضیه را تقویت کند که همگی آن کاتبان در آن منطقه خاص فعال بوده‌اند؛ به‌ویژه آنکه هیچ قرآنی به این سبک به خط کاتبی منسوب به شهرهای دیگر (غیر از شمال ایران) در دست نیست. در نتیجه این دو گروه از شواهد، احتمال رواج این سبک در طبرستان، گیلان و استرآباد را به یقین نزدیک می‌کند.

جدول ۱ - مشخصات برخی از قرآن‌های سبک طبری

ردیف	نام کاتب	واقف	تاریخ کتابت	محل نگهداری و شماره ثبت
۱	علی مخلصی طبری	-	۳۵۳ ق.	کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۴۱۲۸
۲	قرآن با رقم جعلی علی بن مقله	-	سده چهارم	رامپور، کتابخانه رضا، ش 6093D
۳	محمد بن علی بن حسین صفار	-	۳۸۳ ق.	استانبول: کتابخانه کاخ توبقاپی، ش HS.22
۴	قرآن بی رقم	علی بن محمود قاضی اردکانی ۱۰۰۹ ق.	-	نجف اشرف: کتابخانه روضه علویه، ش ۱۰
۵	ابوجعفر محمد بن شهر دویر بن ابی منصور وراق	فخر النساء بنت میرسید محمد قاضی عسکر (۱۰۶۰ ق.)	۵۸۶ ق.	مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۷۹
۶	ابوالفضل زعفرانی	-	-	تهران: موزه رضا عباسی ش ۴۲۶۴
۷	ابوالحسن علی بن محمد بن محمد کیا مجاوری	امیر محمد رضا ولد امیر سید علی استرآبادی (۱۰۱۱ ق.)	۶۲۰ ق.	مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۸۴
۸	-	-	سده ششم	لندن: مجموعه خلیلی، ش QUR94
۹	مسعود بن عیسی بن یعقوب شعیب مقری دیلمی رودباری	-	۶۴۷ ق.	مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۷۸
۱۰	-	محمد بن محمود عیسی الادیب طبری (۶۹۰ ق.)	سده ششم	مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۳۶۶
۱۱	-	-	سده ششم و هفتم	نجف اشرف: کتابخانه روضه علویه، ش ۴۱۱
۱۲	-	-	سده چهارم و پنجم	لندن: مجموعه خلیلی، ش KFQ 77
۱۳	-	-	سده چهارم و پنجم	لندن: مجموعه خلیلی، ش KFQ 76
۱۴	-	-	سده ششم و هفتم	مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۸۵
۱۵	-	-	سده ششم	تهران: موزه ملی ایران، ش ۴۲۶۴

## خاتمه

اگرچه سبکهای کتابت کوفی شرقی چنان متنوع است که برخی از محققان طبقه‌بندی آن را بسیار دشوار دانسته‌اند، چنانکه دیدیم با تدوین مبانی نظری و مؤلفه‌های سبک‌شناسی مرتبط، می‌توان تاحدی به طبقه‌بندی‌های خردتر و قابل اتکا دست یافت. در این نوشتار گروهی از این آثار که در برخی ویژگی‌ها، اعم از جامع‌بودن متن قرآن، شکل خط، و ساختار نسخه شباهت زیادی به هم دارند، با عنوان سبک طبری معرفی شدند. البته شمار نسخه‌های این خط بیشتر از آن چیزی است که در جدول این مقاله ذکر شد و تک‌برگ‌ها و پاره‌قرآن‌های بسیار دیگری با این ویژگی‌ها در مجموعه‌های جهان نگهداری می‌شود که می‌تواند به این سیاهه افزوده شود؛ با این حال همین تعداد نسخه که عموماً نسخه‌های تازه‌یاب است، تصویری کلی از این سبک به دست می‌دهد:

- قرآن‌های این سبک همگی در یک جلد تدوین شده‌اند، برخلاف دیگر سبک‌ها که در قالب دهپاره، چهاردهپاره، و سیپاره تهیه شده‌اند.

- در کتابت، حروف کشیده وجود ندارد و اتصالات حروف با خطوط افقی مستحکم برقرار شده است.

- شکل خاصی در کتابت حروفی چون «ف»، «و»، و «م» به کار رفته است؛ مثلاً متساوی‌الاضلاع که انتهایش از سر حروف فاصله دارد.

- ارتفاع حروف عمودی کوتاه است و نسبت کرسی‌های اول و دوم سطر از خط کرسی حداکثر دو است.

- فاصله آیات با چهار نقطه سیاه ایجاد شده است که در میان قرآن‌های کوفی شرقی منحصر به فرد است.

- نسخه‌ها، تذهیب غنی و پیچیده‌ای ندارد و در آن به ندرت از زر استفاده شده است.

- نسبت اکثر کاتبان و واقفان قرآن‌های این سبک به شمال ایران برمی‌گردد؛ بنابراین فعلاً اطلاق عنوان سبک طبری برای آن مناسب می‌نماید.

## منابع

- ابن ندیم (۱۳۶۶)، الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران: امیرکبیر.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، اطلس شیعه، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- الحسانی، حسین جهاد (۱۴۳۵ق.)، فهرس المصاحف المخطوطه فی خزانه العتبة العلوية، نجف: مرکز الامیر الاحیاء التراث الاسلامی.
- صحراگرد، مهدی (۱۳۹۹)، سطر مستور: تاریخ و سبک‌شناسی کوفی شرقی، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران و مشهد: بنیاد بین‌المللی امام رضا (ع).
- صحراگرد، مهدی و علی اصغر شیرازی (۱۳۹۳)، «تاریخ سبک‌شناسی در تاریخ‌نگاری هنر مغرب‌زمین»، کیمیای هنر، ش ۱۲، پاییز ۱۳۹۳، صص ۸۸-۹۸.
- فضایی، حبیب‌الله (۱۳۶۲)، اطلس خط، اصفهان: مشعل.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۴۷)، راهنمای گنجینه قرآن آستان قدس رضوی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- نجفی، سید محمدباقر (۱۳۸۰)، مصحف ایران، کلن: بی‌نا.
- همایون فرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۸)، «تحول و تکامل خط فارسی دری»، بررسی‌های تاریخی، ش ۵ و ۶، آذر و اسفند ۱۳۴۸، ۳۳-۳۴.
- Arberry, Arthur John (1967). *The Koran Illuminated: A Handlist of the Korans in the Chester Beatty Library*, Dublin: Chester Beatty Library.
- Blair, Sheila S (2005). *Islamic Calligraphy*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Deroche, Francois (2016). "In the Beginning: Early Qurans from Damascus", in: Massumeh Farahad and Simon Retig, *The Art of the Quran: Treasures from the Museum of Islamic and Turkish arts*, Washington, Smithsonian Institute, pp.50-75.
- \_\_\_\_\_ (1992). *The Abbasid Tradition: Qur'ans of the 8th to the 10th Centuries AD*, first edn, London: Nour Foundation.
- Lings, Martin (2005). *Splendours of Quran Calligraphy and Illumination*, London: Thames & Hudson.
- Lings و Martin and Yasin Hamid Safadi (1967). *the Quran: Catalogue of an Exhibition of Quran Manuscripts at the British Library*, 1976, World of Islam Publishing Co. Ltd for the British Library.

## یادداشت‌ها

۱. این اصطلاح را نسخه‌شناسان کتابخانه آستان قدس رضوی برای قرآن‌های کوفی شرقی به‌کار برده‌اند. برای نمونه ر.ک. گلچین معانی، ۱۳۴۷.
۲. اصطلاحی که اولین بار ابن‌ندیم (م. ۳۸۵ ق.) در مقدمه الفهرست برای خط قرآن‌های ایرانی به‌کار برد و برخی آن را معادل کوفی شرقی به‌کار بردند. اولین کسی که این اصطلاح را بدین معنی به‌کار برد، رکن‌الدین همایون فرخ بود (ر.ک. همایون فرخ، ۱۳۴۸).
3. Broken Cursive (see: Blair, 2005: 151)
۴. این اصطلاح را حبیب‌الله فضایی به‌کار برده است (۱۳۰: ۱۳۶۲).
۵. این اصطلاح را یاسر طباع به‌کار برده است (۲۰۰۹: ۱۸).
۶. این اصطلاح را فرانسوا دروش به‌جای دیگر نام‌ها ساخته است. او در انتساب ابداع کوفی به شهر کوفه تردید کرده است، ازاین‌رو برای قلم معروف به کوفی نام سبک عباسی را برگزید و آن را بر پایه ویژگی‌های اساسی کتابت به دو نوع عباسی نخستین و عباسی نوین تقسیم کرد (see: Deroche, 1992).
۷. به‌سبب شباهت «تسع» و «سبع» هر دو تاریخ محتمل است.

# أسلوب الطبري: تأمل في كتابة القرآن الكريم لشمال إيران في العصور الوسطى

مهدي صحراگرد

عضو هيئة التدريس بجامعة آزاد الإسلامية فرع مشهد

m.sahragard@mshdiau.ac.ir

## الملخص

الخط الكوفي الشرقي هو شكل متطور ومتغير من أشكال الخط الكوفي المبكر الذي انتشر من القرن الرابع إلى القرن السابع الهجري في الجزء الشرقي من العالم الإسلامي وفقاً لثقافة إيران. يجب اعتبار الكوفي الشرقي كمصطلح عام لأنماط مختلفة وأحياناً مختلفة تماماً في كتابة القرآن على الرغم من أنه قد نشأت من الكوفي المبكر من حيث الهندسة وشكل الحروف، إلا أنها تغيرت إلى أنماط مختلفة بسبب مرور الزمان وتأثرت بالأذواق المحلية. قيل القليل عن أنماط هذا القلم وركزت دراسة الخطاطين والباحثين بشكل أساسي على عدد قليل من الأعمال المهمة. ومع ذلك فإن إلقاء نظرة فاحصة على الأعمال يظهر أن أنماط الكوفي الشرقي أكثر تنوعاً من الأساليب الكوفي المبكر، ويمكن أن يُنسب بعضها إلى

مناطق جغرافية محددة.

واحد منهم هو أسلوب منسوب إلى شمال إيران، وهي طبرستان وجيلان. يشير عدد كبير من الآثار الباقى و ذورقم من هذا الأسلوب إلى رواجه على نطاق واسع. أقدم نسخة مؤرخة من الطرز الطبري، مصحف بخط علي مخلصي الطبري بتاريخ ٣٥٣ ق. وآخر نسخة، مصحف بخط مسعود بن عيسى المقرئ الديلمي بتاريخ ٦٤٧ ق.. يعود سبب إسناد هذا الأسلوب إلى شمال إيران إلى اسم كاتب من رودبار ومجاور وديلم وطبرستان. كان هذا الأسلوب الذي استخدم في كتابة المصاحف الشاملة عبارة عن خط صغير ذو سمات فريدة في كتابة الحروف مثل «ف» و «ق» و «و». الميزات الأخرى هي الارتفاع القصير نسبياً للأحرف الرأسية واتصالاتها الأفقية القوية مع اختلاف بسيط في سُمك القلم. كما أن علامة نهاية الآيات في مصاحف الطبري مميزة بشكل أساسي بأربع نقاط ، و التذهيب و الترتيب في مخطوطاته ضئيل ومختصر.

كلمات مفتاحية: القرآن، الكوفي الشرقي، طبرستان، جيلان، فن الخط، الكوفي الإيراني.

# **Taberi tarzı: Orta Çağ'da kuzey İran'ın Kuran Yazma üzerine bir yansıma**

**Mehdi Sehragerd**

İslami Azad Üniversitesi Meşhed Şubesi öğretim üyesi  
m.sahragard@mshdiau.ac.ir

## **Özet**

Doğu Kufi, İslam dünyasının doğu kesiminde, kültürel İran'a uygun olarak, dördüncü yüzyıldan yedinci yüzyıla kadar yayılan erken dönem Kufi'nin gelişmiş ve dönüştürülmüş bir şeklidir. Doğu Kufi, Kur'an'ın çeşitli ve bazen tamamen farklı yazım tarzları için genel bir terim olarak düşünülmelidir. Bu kalemin üslubu hakkında daha az bilgi verilmiştir ve hat sanatı araştırmacıları, üzerine yapılan çalışmalar temel olarak birkaç önemli esere odaklanmıştır. Ancak eserlere daha yakından bakıldığında, Doğu Kûfi üsluplarının erken dönem Kufi üslubundan

çok daha çeşitli olduğu ve bazılarının belirli coğrafi bölgelere atfedilebileceği görülmektedir. Bunlardan biri kuzey İran'a atfedilen bir tarz olan Taberistan ve Gilân'dır. Bu üslubun kalıntıları ve figürleri üzerine çok sayıda çalışma, yaygın popülaritesini göstermektedir. Taberi üslubunun en eski tarihi örneği, Ali Muhllesi Taberi'nin 353 H. tarihli el yazısıyla Kur'an'dır ve son eser, başka bir kur'an nushası, Mesud bin İsâ el-Mukri Deylemi'nin 647 H. tarihli el yazısıdır. Bu üslubun kuzey İran'a atfedilmesi, Rudbâr, Mücâvir, Deylem ve Taberistan'dan bir katipin adından kaynaklanmaktadır. Cami mushafların yazımında kullanılan bu üslup, "ق", "ف" ve "و" gibi harflerin yazılmasında kendine has özellikleri olan ince bir hat çeşididir. Bu hattın diğer özellikleri, dikey harflerin nispeten kısa yüksekliği ve yazı tipi kalınlığında çok az değişikliklerle güçlü yatay bağlantılarıdır. Ayrıca Taberî Kur'an-ı Kerim nushalarında, ayet işaretleri esas olarak dört nokta ile işaretlenmiş olup, yazma nüshalarının tezhip ve tertibi önemsiz ve kısadır.

**Anahtar Kelimeler:** Kuran, Doğu Kufi, Taberistan, Gilan, Hat sanatı, İran Kufi hattı.